

THINKER'S GUIDE LIBRARY



تفکر نقادانه

مفاهیم و ابزارها

# CRITICAL THINKING

Concepts & Tools

Richard Paul &  
Linda Elder

مترجم: محمد باقر باقری

## فهرست

- ۲ ..... چرا تفکر نقادانه؟
- ۳ ..... ارکان تفکر
- ۴ ..... فهرست بازبینی برای تفکر و استدلال
- ۶ ..... پرسش های مبتنی بر ارکان تفکر
- ۷ ..... سه سطح تفکر
- ۸ ..... معیار های جهانی تفکر
- ۱۱ ..... الگوی بررسی منطق یک مقاله
- ۱۲ ..... معیار های سنجش تفکر و استدلال
- ۱۴ ..... خصلت های فکری مهم
- ۱۶ ..... سه نوع پرسش
- ۱۷ ..... یک الگو برای حل مشکل
- ۱۸ ..... بررسی و سنجش پروژه های تحقیقی
- ۲۰ ..... مراحل رشد تفکر نقادانه
- ۲۱ ..... مشکلات تفکر خود محور
- ۲۲ ..... مشکلات تفکر ما محور
- ۲۳ ..... تجسم بخشیدن به جوامع دارای تفکر نقادانه

## چرا تفکر نقادانه؟

### طرح مسأله:

انسان ذاتا موجودی متفکر است و هر انسانی بطور طبیعی فکر می کند. نکته مهم در این جا این است که در صورتی که فرایند تفکر در انسان به حال خود گذاشته شود و از آن مراقبت نشود در بیشتر موارد جانبدارانه، تحریف شده، ناقص، جاهلانه، و مغرضانه خواهد بود. در واقع کیفیت زندگی ما و آنچه در طول حیاتمان می سازیم و از خود به یادگار می گذاریم دقیقا به کیفیت تفکرمان بستگی دارد. تفکر ضعیف برای هر انسانی چه به لحاظ مالی و اقتصادی و چه از نظر کیفیت زندگی بسیار پر هزینه است. تفکر برتر چیزی است که باید آن را بطور نظام مند و سیستماتیک پرورش داد و هدف تفکر نقادانه در واقع همین است.

### تعریف:

تفکر نقادانه هنر آنالیز و ارزیابی فرایند فکر کردن در انسان به منظور بهبود بخشیدن به آن است.

### نتیجه:

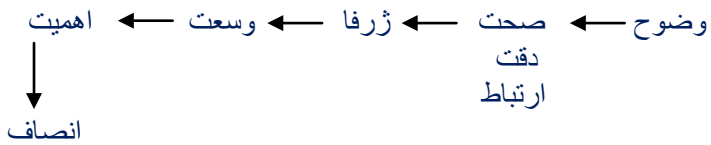
یک متفکر نقاد که به خوبی در حوزه ی تفکر پرورش یافته باشد:

- می داند که چگونه مسائل و پرسش های اساسی را مطرح کند و این کار را با نهایت دقت و وضوح انجام می دهد. اطلاعات لازم و مربوط به موضوع را گردآوری کرده و مورد ارزیابی و سنجش قرار می دهد و برای فهم دقیق این اطلاعات از مفاهیم و ایده های انتزاعی موجود در ذهن استفاده ی موثر می کند.
- به نتایج و راه حل های منطقی نائل می آید و این نتایج و راه حل ها را با ملاک ها و معیارهای مربوطه می سنجد.
- باذهنی باز و آزاد دیگر نظام های فکری و دیدگاهها را مورد توجه قرار می دهد و می کوشد تا آنچه به صورت فرض مسلم در این دیدگاهها در نظر گرفته شده و همچنین اثرات احتمالی و پیامدهای عملی قبول این نظام های فکری را شناخته و مورد ارزیابی قرار دهد.
- برای پیدا کردن راه حل برای مسائل پیچیده، به طور موثری به تعامل با دیگران می پردازد. به طور خلاصه می توان گفت تفکر نقادانه فرایندی است که در آن نحوه ی فکر کردن هدایت شده، انضباط می یابد، بر آن نظارت می شود و اصلاح می شود. زمانی که فکر خود را در جهت صحیح حرکت می دهد، خود را تحت انضباط در می آورد، بر عملکرد خود نظارت می کند و به اصلاح خود می پردازد. تفکر نقادانه مستلزم داشتن توانایی در حل مسئله و همچنین مهارت های ارتباطی است به علاوه داشتن عزم و اراده ی قوی برای فائق آمدن بر دو نیروی قوی که همواره مانع تفکر نقادانه می شوند یکی خود برتر بینی و دیگری مابرت بینی.

## ارکان تفکر



با در نظر گرفتن معیارهای جهانی تفکر نظیر:



## فهرست بازبینی برای تفکر و استدلال

### ۱- هر تفکر و استدلالی یک منظور خاص دارد

- آیا می‌توانید منظورتان را بطور شفاف بیان کنید؟
- قصد شما از این استدلال چیست؟
- آیا استدلال شما بر هدفتان متمرکز است؟
- آیا هدف شما واقع بینانه است؟

### ۲- هر تفکر و استدلالی را می‌توان تلاشی در جهت فهم مطلبی یا پاسخ دادن به پرسشی و یا حل مسئله‌ای تلقی کرد.

- شما دقیقاً چه پرسشی را می‌خواهید جواب دهید.
- آیا راه‌های دیگری برای فکر کردن درباره‌ی این پرسش وجود دارد؟
- آیا پرسش مد نظر را می‌توان در قالب چند پرسش کوچک‌تر مطرح کرد؟
- آیا برای پرسش مد نظر فقط یک جواب صحیح وجود دارد یا بیش از یک پاسخ منطقی می‌توان برای آن در نظر گرفت.
- آیا برای پاسخ دادن به پرسش فوق می‌توان صرفاً از واقعیت‌های موجود استفاده کرد یا باید با قضاوت شخصی به آن جواب داد؟

### ۳- هر تفکر و استدلالی بر پایه‌ی برخی فرض‌های مسلم انجام می‌شود.

- چه مواردی را شما به صورت فرض مسلم در نظر گرفته‌اید؟ آیا این فرض‌ها موجه هستند یا نه؟
- چگونه فرض‌های مسلم شما که همان عقاید و نظراتی هستند که شما آن‌ها را بدیهی فرض کرده‌اید بر دیدگاه شما تاثیر می‌گذارند.
- کدامیک از فرض‌های مسلم را می‌توان بطور منطقی مورد پرسش قرار داد؟

### ۴- هر تفکر و استدلالی در چارچوب یک دیدگاه بخصوص صورت می‌گیرد.

- دیدگاه شما چیست؟ این دیدگاه مبتنی بر کدام بصیرت‌هاست؟ نقاط ضعف دیدگاه شما چیست؟
- چه دیدگاه‌های دیگری در هنگام استدلال در باره این موضوع باید در نظر گرفته شود؟ نقاط ضعف و قدرت این دیدگاه‌ها چیست؟ آیا شما بطور منصفانه نقاط قدرت دیگر دیدگاه‌ها را مد نظر قرار می‌دهید.

**۵- هرتفکر و استدلالی بر اساس اطلاعات، داده ها و شواهد صورت می گیرد.**

- تا چه اندازه در استدلال شما داده های مرتبط با موضوع وجود دارد؟
  - آیا این داده هانیز به توضیحاتی متفاوت با آنچه شما ارائه کرده اید دارد؟
  - چقدر داده های ارائه شده واضح، دقیق و مرتبط با موضوع است؟
  - آیا شما داده های کافی را برای رسیدن به نتیجه گیری منطقی جمع آوری کرده اید؟
- ۶- هرتفکر و استدلالی به وسیله ی برخی مفاهیم ذهنی و نظریه ها بیان شده و یا به وسیله ی این مفاهیم و نظریه ها شکل می گیرد.**

- مفاهیم کلیدی و نظریه هایی که استدلال شما را هدایت می کنند کدامند؟
- چه توضیحات دیگری می توان با در نظر گرفتن این مفاهیم و نظریه ها ارائه کرد؟
- آیا شما برای اینکه برنامه ی تان قابل توجه شود دیگر افکار و ایده ها را بد جلوه نمی دهید؟

**۷- هرتفکر و استدلالی حاوی استنتاج ها یا برداشت هایی است که ما به واسطه آنها**

**نتیجه گیری هایی انجام می دهیم و به داده ها و اطلاعات معنای بخصوصی می بخشیم.**

- تا چه اندازه داده های موجود نتیجه گیری شما را توجیه می کند؟
- آیا استنتاج های شما با یکدیگر هماهنگی دارند؟
- آیا استنتاج های دیگری وجود دارد که باید مد نظر قرار گیرند؟

**۸- هرتفکر و استدلالی به اثرات و پیامدهایی منجر می شود.**

- چه اثرات و نتایجی از استدلال شما بدست می آید؟
- اگر ما نحوه ی استدلال شما را بپذیریم چه اثرات و پیامدهایی احتمالی وجود خواهند داشت؟

## پرسش‌های مبتنی بر ارکان تفکر

(در یک مقاله، فعالیت یا تکلیف درسی)

**هدف:** هدفی که میخواهم به آن نائل شوم چیست؟

هدف اصلی من چیست؟ مشخصاً چه منظوری دارم؟

## پرسش:

چه پرسشی را مطرح میکنم؟

به کدام پرسش اساسی می پردازم؟

آیا پیچیدگی‌های پرسش مطرح شده را در نظر گرفته‌ام؟

## اطلاعات:

از چه اطلاعاتی برای رسیدن به نتیجه‌گیری خود بهره برده‌ام؟

کدام تجربیات دلیلی بر ادعای من است؟

برای پاسخ به این پرسش به چه اطلاعاتی نیازمندیم؟

**استنتاج/نتیجه‌گیری:** چگونه به این نتیجه‌گیری رسیدم؟

آیا روش دیگری برای فهم اطلاعات هست؟

**مفاهیم ذهنی:** ایده اصلی در اینجا چیست؟

آیا می‌توانم ایده اصلی را توضیح دهم؟

## فرض مسلم:

چه چیزهایی را من بدیهی و مسلم فرض کرده‌ام؟

با در نظر گرفتن کدام فرض‌های مسلم به این نتیجه‌گیری رسیدیم؟

**اثرات / پیامد‌ها:** اگر کسی موضع من را بپذیرد، چه اثراتی خواهد داشت؟

چه مواردی را من بطور ضمنی بیان داشته‌ام؟

## دیدگاه:

از چه دیدگاهی من به این موضوع نظر انداخته‌ام؟

آیا دیدگاه‌های دیگری وجود دارد که باید مد نظر قرار گیرند؟

## سه سطح تفکر

### سطح 3: تفکر در حد اعلا

- با تامل و تدبیر بالا
- مهارتی عالی
- استفاده ی روزمره از ابزار های تفکر
- نقادانه برای آنالیز و ارزیابی تفکر.

### سطح 2: تفکر در سطح بالا

- گاهی با تامل و تدبیر
- سطح مهارتی بالا
- فاقد واژگان تفکر نقادانه
- گاهی منصف است و گاهی نه ممکن است از مهارت هایش برای سفسطه استفاده کند.

### سطح 1: تفکر در سطح پایین

- بدون تامل تدبیر
- سطح مهارتی پائین
- پیوسته به شم خود تکیه می کند
- و خود مدار و خود فریب است

تفکر سطح پایین همواره از تفکر سطح بالا تمایز دارد. اما تفکر سطح بالا ممکن است از نظر کیفیت ، انسجام لازم را نداشته باشد. گاهی منصفانه باشد و گاهی نباشد. برای نائل آمدن به تفکر حد اعلا ما نه تنها به مهارت های فکری نیازمندیم بلکه باید فضیلت ها و خصائص یک متفکر نقاد را در خود پرورش دهیم.



## معیارهای جهانی تفکر

### پرسش‌هایی که برای بکار بستن این معیارها می‌توان طرح کرد

معیارهای تفکر، موازینی هستند که برای اطمینان یافتن از کیفیت تفکر بکار گرفته می‌شوند. اگر بخواهیم این معیارها فراگیر شوند باید به طور صریح و شفاف آن‌ها را آموزش دهیم. هدف نهایی باید این باشد که نهایتاً این معیارها در تفکر دانشجویان نهادینه شده و بخشی از نجوای درونی شود تا اینکه آنها را به سمت تفکر و استدلال بهتر سوق دهد.

### وضوح:

ممکن است در باره‌ی این نکته توضیحات بیش‌تری ارائه فرمایید؟ ممکن است خواهش کنیم این مطلب را به شیوه‌ی دیگری بیان کنید؟ لطفاً با ذکر مثال توضیح دهید.

وضوح یکی از معیارهای اولیه به حساب می‌آید. اگر عبارتی مبهم باشد ما نمی‌توانیم میزان صحت و ارتباط آن را تعیین کنیم. در واقع ما نمی‌توانیم درباره آن اظهار نظر کنیم چون اساساً نمی‌دانیم که آن عبارت چه می‌گوید. به عنوان مثال به این سوال توجه کنید: برای سیستم آموزشی در آمریکا چه کاری می‌تواند انجام داد؟ برای اینکه به این پرسش پاسخ مناسبی بدهیم نیازمند درک واضح‌تری از آن چه توسط طراح سوال به عنوان مسئله یا مشکل در نظر گرفته شده هستیم. پرسش فوق را می‌توان با وضوح بیشتری به شکل زیر مطرح کرد: آموزشگران چه باید بکنند تا اطمینان حاصل شود که فراگیران مهارت‌ها و توانایی‌هایی را که به آن‌ها کمک می‌کند تا در شغل و زندگی روزمره به طرز موفقیت‌آمیزی تصمیم‌گیری و عمل کنند را بیاموزند؟

### صحت:

آیا آنچه بیان شد حقیقت دارد؟ چگونه می‌توان صحت آن را تایید کرد؟ از چه راهی می‌توان پی برد آنچه گفته شده حقیقت دارد؟

یک گفته ممکن است واضح باشد ولی صحت نداشته باشد مثلاً وقتی می‌گوییم "بیش‌تر سگ‌ها بیش از ۳۰۰ پوند وزن دارند".

### دقت:

آیا می‌تواند جزئیات بیش‌تری در اختیار ما بگذارد؟ می‌توانید دقیق‌تر منظورتان را بیان کنید؟ یک گفته ممکن است واضح و صحیح باشد اما دقت لازم را نداشته باشد. مثلاً وقتی می‌گوییم "جک اضافه وزن دارد" ما نمی‌دانیم اضافه وزن جک به چه میزان است یک پوند یا ۵۰۰ پوند.

### ارتباط:

چه ارتباطی بین آنچه گفته شد و پرسش مطرح شده وجود دارد؟ این مطلب چه ارتباطی با موضوع دارد؟ یک گفته ممکن است واضح، صحیح و دقیق باشد اما ارتباطی با مسئله یا موضوع مورد نظر نداشته باشد. به عنوان مثال دانشجویان اغلب فکر می‌کنند که میزان تلاشی که در یک درس از خود نشان می‌دهند می‌بایست در بالا بردن نمره آن‌ها تاثیر داشته باشد. با این وجود در بیش‌تر موارد "تلاش" مبنایی برای سنجش/یادگیری دانشجویان نیست و زمانی که این گونه باشد تلاش هیچ ارتباطی با نمره مناسب ندارد.

## ژرفا:

چگونه پاسخی که به یک سؤال می‌دهید پیچیدگی‌های موجود در یک پرسش را در بر می‌گیرد؟ چگونه شما عوامل مختلف که در بوجود آوردن یک مسئله دخیل هستند را مد نظر قرار می‌دهید؟ آیا شما عوامل اصلی و مهم را در نظر گرفته‌اید؟

یک گفته ممکن است واضح، صحیح، دقیق و مرتبط با موضوع باشد اما از این نظر که فاقد ژرفا می‌باشد سطحی و پیش پا افتاده باشد. به عنوان مثال عبارت "فقط بگو نه" که برای چندین سال مورد استفاده قرار می‌گرفت تا کودکان و نوجوانان را از استفاده از مواد مخدر دور کند عبارتی واضح، صحیح، دقیق و مرتبط با موضوع بود. با این وجود کسانی که از این رویکرد استفاده کرده‌اند با یک مسئله‌ی بسیار پیچیده که همان استفاده‌ی گسترده از مواد مخدر در میان نوجوانان بود سطحی برخورد کردند. این برخورد پیچیدگی‌های موجود در این مسئله را در نظر نگرفته است.

## وسعت:

آیا لازم است ما دیدگاه دیگری را در نظر بگیریم؟ آیا راه دیگری برای نظر انداختن به این مسئله وجود دارد؟ از نقطه نظر محافظه کارانه این مسئله چگونه دیده می‌شود؟ این موضوع از دیدگاه ... چگونه بررسی می‌شود؟ استدلال ممکن است واضح، دقیق، صحیح، مرتبط و ژرف باشد اما فاقد وسعت کافی باشد (همانطور که وقتی یک بحث از دیدگاه فقط محافظه کارانه یا فقط لیبرال دیده می‌شود که در آن فقط دیدگاه آنها عمیقاً مورد توجه قرار می‌گیرد ولی دیدگاه دیگری در نظر گرفته نمی‌شود)

## منطق:

آیا آنچه گفته شد مفهوم مورد نظر را بیان کرد؟ آیا می‌توان گفت از حرف شما این مطلب بر می‌آید که قبلاً شما به طور ضمنی این مطلب را بیان کردید، حال دارید اینگونه می‌گویید که در تعارض با کلام پیشین شماست. نمی‌دانم چگونه هر دو این سخن می‌توانند حقیقت داشته باشند. زمانیکه فکر می‌کنیم چندین ایده را در کنار هم قرار می‌دهیم، آنگاه که ترکیب این افکار یکدیگر را بطور متقابل تأیید کرده و در کل مفهوم شخصی را بیان می‌کنند می‌گوییم تفکر دارای منطق است. زمانیکه مجموعه آنچه گفته می‌شود در درون خود افکاری را جای می‌دهد که با یکدیگر تناقض دارند گفته می‌شود که این ترکیب فاقد منطق است.

## انصاف:

آیا ما تمام دیدگاهها را منصفانه در نظر می‌گیریم؟ آیا سعی نمی‌کنیم برخی اطلاعات را مخدوش جلوه دهیم تا بتوانیم دیدگاه خود را که از آن جانبداری میکنیم حفظ نمائیم؟ آیا توجه ما بیش تر معطوف به آنچه به نفع ماست نیست تا به خیر عموم؟ ما بطور طبیعی از چشم انداز خودمان به مسائل نگاه می‌کنیم، از دیدگاهی که به نفع مان باشد. انصاف یعنی اینکه همه دیدگاهها را یکسان و بدون در نظر گرفتن علائق و احساساتمان در نظر بگیریم. چون ماتمایل به این داریم که نسبت به دیدگاه خودمان جانبداری داشته باشیم، این مسئله حائز اهمیت است که معیار انصاف را همواره در پیش روی تفکر خود داشته باشیم. این کار زمانی به طور خاص اهمیت می‌یابد که در وضعیتی قرار داریم که از ما خواسته می‌شود چیزی را ببینیم که ما تمایلی به دیدن آن نداریم یا از چیزی دست بکشیم که میل ما به ننگ داشتن آن است.

آیا ممکن است توضیحات بیش تری ارائه فرمایید؟  
آیا ممکن است یک مثال بزنید؟  
آیا ممکن است منظورتان را با تمثیل بیان کنید؟

وضوح

چگونه می توانیم درستی آن را بسنجیم؟  
از کجا می توان فهمید که این مطلب حقیقت دارد؟  
چگونه می توانیم صحت مطلب را تصدیق کنیم؟

صحت

آیا می توانید دقیق تر منظورتان را بیان کنید؟  
ممکن است توضیحات بیش تری ارائه کنید؟  
ممکن است دقیق تر این مطلب را بیان کنید؟

دقت

ارتباط آنچه گفته شده است با موضوع چیست؟  
این مطلب چه ربطی به پرسش دارد؟  
مطلب چه کمکی در رابطه با این مسئله به مامیکند؟

ارتباط

چه عواملی باعث می شود تا این مسئله به این شکل دشوار شود؟  
چه پیچیدگی هایی در این پرسش وجود دارد؟  
چه دشواری هایی در این موضوع وجود دارد که باید به آنها بپردازیم؟

ژرفا

آیا لازم نیست ما به این مسئله با چشم انداز دیگری نگاه کنیم؟  
آیا لازم نیست دیگر دیدگاه ها را مد نظر قرار دهیم؟  
آیا لازم نیست به روشی دیگر به این مسئله نگاه کنیم؟

وسعت

آیا مطالب بیان شده در جمع دارای مفهوم و معنا دار هستند؟  
آیا پاراگراف اول با پاراگراف آخر تناسب دارد؟  
آیا آنچه شما می گوئید برخاسته از شواهد و قرائن است یا نه؟

منطق

آیا مهم ترین مسئله ای است که باید مد نظر قرار گیرد  
آیا این مطلب ایده اصلی است که باید بر آن متمرکز شد؟  
کدامیک از این واقعیت ها اهمیت بیش تری دارند؟

اهمیت

آیا من در این مسئله نفع شخصی دارم؟  
آیا من در بیان دیدگاههای دیگران شفقت لازم را داشته ام؟

انصاف

## الگوی بررسی منطق یک مقاله

یکی از مقالاتی که در کلاس به شما داده شده را انتخاب کرده و با استفاده از الگویی که در زیر ارائه شده میزان منطق آن را بررسی کنید. الگوی داده شده را می توان با کمی تغییرات برای بررسی منطق یک فصل کتاب درسی نیز بکار گرفت.

بررسی منطق مقاله .....(نام مقاله را بنویسید)

- ۱- هدف اصلی از نوشتن این مقاله .....(تا حد ممکن هدف اصلی نویسنده ی مقاله را ذکر کنید)
- ۲- پرسش کلیدی که نویسنده به آن می پردازد عبارت است از.....(سعی کنید دریابید پرسش کلیدی در ذهن نویسنده مقاله در هنگام نوشتن مقاله چه بوده است)
- ۳- مهم ترین اطلاعات ارائه شده در این مقاله عبارت است از..... (سعی کنید به اطلاعات، واقعیت ها، تجارب و داده هایی که نویسنده برای نتیجه گیری از آن ها استفاده کرده پی ببرید)
- ۴- مهم ترین استنتاج یا نتیجه گیری در این مقاله عبارت است از .....
- ۵- (ببینید نویسنده به چه نتیجه گیری مهمی رسیده و آن را در این مقاله ارائه کرده است) مفاهیم اصلی که برای فهم این مقاله به فهم دقیق آنها نیاز داریم عبارتند از ... (سعی کنید به ایده های اصلی که برای فهم استدلال نویسنده به درک آنها بستگی دارد پی ببرید)
- ۶- فرض های مسلم اصلی که در زیربنای تفکر نویسنده قرار دارند عبارتند از... (ببینید نویسنده چه مواردی را مسلم فرض کرده که می توان آن ها را به پرسش گرفت)
- ۷الف- اگر ما این نحوه استدلال را بصورت جدی قبول کنیم چه اثراتی بر آن مترتب خواهد بود؟ (چه پیامد های احتمالی در صورتی که ما نحوه ی استدلال نویسنده را قبول کنیم بروز می کند.)
- ۷ب- در صورتی که ما این نحوه ی استدلال نویسنده را نپذیریم اثرات آن چه خواهد بود؟... (در صورتی که ما استدلال نویسنده را نادیده بگیریم این مسئله چه پیامد های احتمالی خواهد داشت؟)
- ۸- دیدگاه اصلی ارائه شده در این مقاله عبارت است از... (نویسنده به چه چیز نظر دارد و آن را چگونه می بیند؟)

## معیارهای سنجش تفکر و استدلال

- ۱ - **هدف:** منظور استدلال کننده چیست؟ آیا او هدف خود را بطور صحیح یا بطور ضمنی بیان کرده است؟ آیا این هدف موجه و قابل قبول است یا خیر؟
- ۲ - **پرسش:** آیا پرسش مورد نظر با صراحت، روشنی و بدون جانبداری مطرح شده است؟ آیا طرح پرسش به گونه ای هست که پیچیدگی مسئله ی مورد نظر دیده شده باشد؟ آیا پرسش مطرح شده به هدف مورد نظر به طور مستقیم ارتباط پیدا می کند؟
- ۳ - **اطلاعات:** آیا نویسنده شواهد، تجارب و اطلاعات اساسی را بیان کرده است؟ آیا اطلاعات ارائه شده صحت لازم را دارند؟ آیا نویسنده پیچیدگی های موضوع را مورد توجه قرار داده است؟
- ۴ - **مفاهیم ذهنی:** آیا نویسنده هر جا لازم بوده مفاهیم کلیدی را توضیح داده است؟ آیا مفاهیم بطور قابل قبولی مورد استفاده قرار گرفته اند؟
- ۵ - **فرض های مسلم:** آیا نویسنده نسبت به مواردی که آن ها را مسلم فرض کرده حساسیت لازم را داشته است؟ تا چه اندازه می توان فرض های مسلم را بطور معقول به پرسش گرفت؟ آیا نویسنده مواردی را مسلم فرض کرده که مورد مناقشه باشند؟
- ۶ - **استنتاج:** آیا نویسنده در شیوه ی استدلال خود توضیح می دهد که چگونه به نتیجه گیری خود نائل آمده است؟
- ۷ - **دیدگاه:** آیا نویسنده نسبت به دیدگاه های دیگر یا شیوه های استدلال دیگری که می تواند وجود داشته باشد حساسیت دارد؟ آیا نویسنده مخالفت های دیگر دیدگاه ها را مورد توجه قرار داده و سعی کرده تا به آن ها پاسخ دهد یا خیر؟
- ۸ - **اثرات و پیامد ها:** آیا نویسنده نسبت به اثرات احتمالی و پیامد های موضعی که اتخاذ کرده حساسیت لازم را دارد؟



## خصلت های فکری مهم

### تواضع فکری در مقابل تکبر فکری

تواضع فکری به معنی آگاهی از محدودیت های دانش خود می باشد که شامل حساسیت نسبت به موقعیت هایی است که خود برتر بینی ذاتی ممکن است باعث خود فریبی شود همچنین حساسیت نسبت به جانب داری، تعصب و محدودیت دیدگاه خود لازمه داشتن تواضع فکری است. بطور کلی تواضع فکری بستگی به این دارد که فرد بیش تر از آنچه در واقع می داند ادعا نکند. این به منزله ی ضعف یا تسلیم نیست بلکه مانع تظاهر، لاف زدن و خودپسندی فکری می شود و به فرد بصیرت لازم را نسبت به وجود یا عدم وجود بنیان های لازم در اعتقاداتش می دهد.

### شهامت فکری در مقابل ترس فکری

شهامت فکری یعنی آگاهی نسبت به این نیاز که در مواجه شدن با عقاید و دیدگاه هایی که نسبت به آنها عواطف منفی قوی داریم منصفانه برخورد کنیم و به این دیدگاه ها توجه جدی نشان دهیم. شهامت فکری یعنی شناخت نسبت به این واقعیت که عقایدی که آن ها را خطرناک یا پوچ می دانیم ممکن است منطقی و قابل توجیه باشند. همچنین درک این مسئله که استنباط و عقایدی که به ما تلقین شده ممکن است نادرست و گمراه کننده باشند. برای اینکه پی ببریم کدام عقاید موجه و کدام گمراه کننده هستند ما نباید صرفا به قبول آنچه به ما گفته می شود بپردازیم. شهامت فکری در اینجا به نقش آفرینی می پردازد زمانی که به طور اجتناب ناپذیری متوجه می شویم که میزانی حقیقت در عقایدی که آن ها را پوچ و خطرناک می دانستیم وجود دارد و از طرف دیگر در عقایدی که در گروه های اجتماعی خود به آن ها اعتقاد راسخ داریم کذب و تحریف وجود دارد. ما نیاز به شهامت داریم تا بتوانیم در تفکرمان در چنین موقعیت هایی صداقت داشته باشیم. البته گاهی کیفر ناسازگاری سخت و شدید خواهد بود.

### همدلی فکری در مقابل کوته بینی فکری

همدلی فکری به معنی این است که بتوانیم خود را به طور فرضی در جای دیگران قرار دهیم تا اینکه بتوانیم وضعیت آنها را بطور حقیقی بفهمیم. این امر مستلزم آگاهی یافتن نسبت به این است که چگونه تمایلات خودمحورانه ما را به این سمت سوق می دهند که حقیقت را با توجه به ادراک آنی افکار و عقاید دیرپا شناسایی کنیم. این خصلت با توانایی بازسازی دقیق دیگر دیدگاه ها و استدلال ها و این که بتوانیم بر اساس اصول، فرض های مسلم و عقایدی که به ما تعلق ندارند استدلال کنیم، نسبت مستقیم دارد. این خصلت همچنین با تمایل فرد در به خاطر آوردن موقعیت هایی که دچار اشتباه شده علیرغم اینکه اعتقاد راسخ داشته که حق با اوست قرار دارد. توانایی به اینکه فرض کند در موقعیت پیش رو ممکن است دوباره دچار اشتباه شود یا فریب بخورد.

## استقلال فکری در مقابل متابعت فکری

استقلال فکری به منزله داشتن کنترل بر روی عقاید، ارزش‌ها و استنتاج‌هایمان می‌باشد. وضعیت ایده آل در تفکر نقادانه این است که بیاموزیم خودمان فکر کنیم و بر فرایندهای فکری مان تسلط داشته باشیم. متعهد باشیم که عقایدمان را با معیار قرار دادن شواهد موجود ارزیابی کرده و مورد سنجش قرار دهیم. سؤال کنیم زمانی که پرسیدن عقلانی‌ترین کار است. باور کنیم آنگاه که این عمل خردمندانه است و پیروی کنیم وقتی که تبعیت عاقلانه‌ترین عمل ممکن است.

## شرافت فکری در مقابل نفاق فکری

فهم اینکه باید در تفکر خود صداقت داشته باشیم و در بکارگیری معیارهای تفکر یکدست عمل کنیم و از همان معیارهایی که برای سنجش دلایل و شواهد مخالفان فکری خود استفاده میکنیم برای سنجش دیدگاه‌های خود استفاده کنیم. با صداقت مغایرت‌ها و تناقض‌های موجود در فکر و عمل خود را بپذیریم.

## پشتکار فکری در مقابل تنبلی فکری

آگاهی نسبت به این نیاز که باید علیرغم همه موانع، مشکلات و ناکامی‌ها بصیرت فکری و حقیقت‌بهره بگیریم و از اصول عقلانی علیرغم مخالفت‌هایی که با آن می‌شود پیروی قاطع داشته باشیم. احساس نیاز به اینکه باید با وضعیت شک و عدم اطمینان دست و پنجه نرم کنیم و پرسش‌های لاینحل را برای مدت زمانی که کوتاه نخواهد بود در ذهن نگه داریم تا بتوانیم به فهم و بصیرت عمیق تری نائل شویم.

## اعتماد به تعقل در مقابل عدم اعتماد به عقل بشری

اطمینان به این مسئله که در دراز مدت منافع عالی‌تر ما و بطور کلی بشریت در این خواهد بود که به نیروی خرد و عقل مجال ایفای نقش داده شود. دیگران را تشویق کنیم تا با استفاده از نیروی خرد خود به نتیجه برسند و از این طریق باعث رشد قوه‌ی خرد در خود شوند. ایمان به اینکه با تشویق دیگران و کمک به پرورش استعداد‌هایشان آنها می‌توانند یاد بگیرند که خودشان فکر کنند و دیدگاه‌های منطقی و عاقلانه برای خودشان ایجاد کنند. بیاموزند که چگونه می‌توان بطور منطقی نتیجه‌گیری کرد و به طور منسجم و سازمان‌یافته فکر کرد. یکدیگر را با دلایل و استدلال‌های مجاب کنیم و افرادی منطقی شویم، علیرغم موانع ریشه‌داری که هم در ساختار ذهن بشر و هم در ساختار جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم وجود دارد.

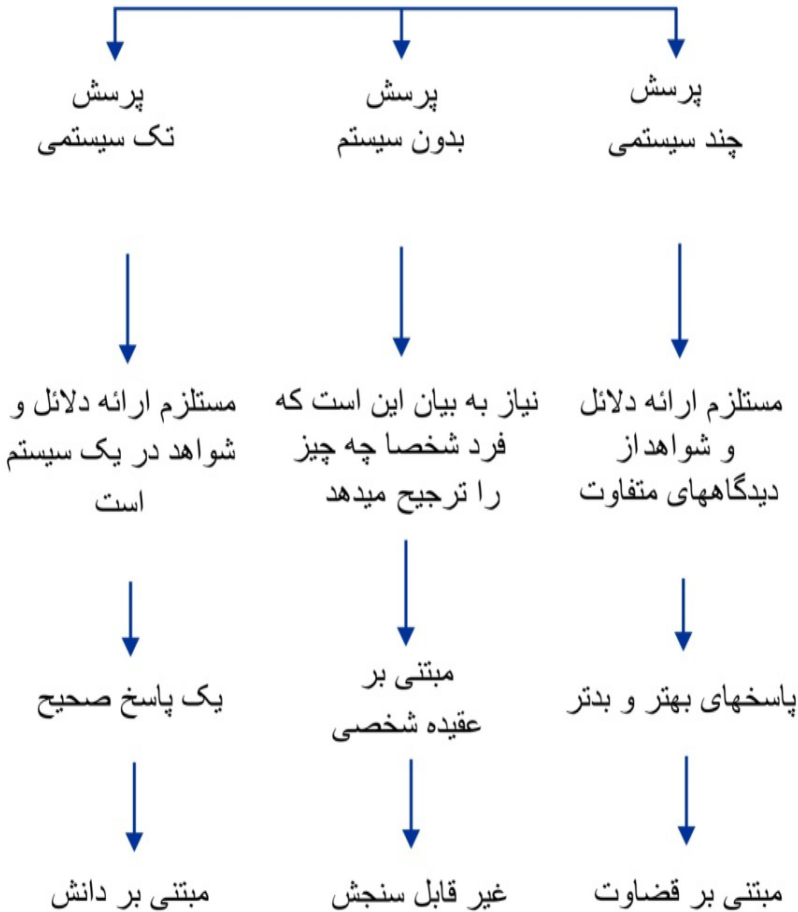
## انصاف در مقابل بی‌انصافی فکری

آگاهی نسبت به این مسئله که باید رفتاری منصفانه با همه دیدگاه‌ها داشت و در این راه احساسات، نفع شخصی یا گروهی، و علائق ملی و میهنی ما نباید مانع این کار شوند. این یعنی پیروی قاطع از معیارهای فکری تفکر نقادانه بدون توجه به نفع خود و گروه خود.



### سه نوع پرسش

در مواجهه با یک پرسش فهم اینکه سوال از چه نوعی است حائز اهمیت است. آیا برای این سوال یک پاسخ قطعی وجود دارد؟ آیا پاسخ به این پرسش متکی به انتخاب و سلیقه شخصی است؟ یا اینکه پاسخ به این پرسش مستلزم در نظر گرفتن دیدگاههای رقیب است؟



## یک الگو برای حل مشکل یا مسئله

برای اینکه بتوانید به طور موثری مشکلات را برطرف کنید باید:

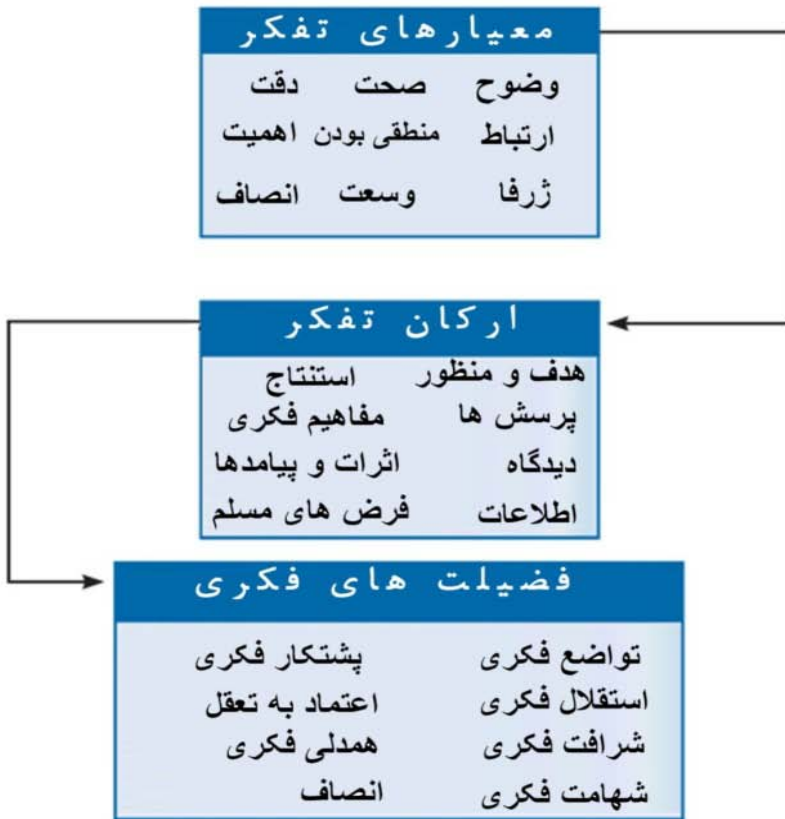
- ۱ - ببینید اهداف، مقاصد و نیازهای شما مشخصا چه هستند و پیوسته آنها را برای خود بازگو کنید. مشکلاتی که به عنوان موانع شما برای رسیدن به اهدافتان تلقی میشوند را شناسایی کنید.
- ۲ - در صورت امکان مشکلات را یکی یکی از هم جدا کرده و هر مشکل را به طور واضح و مشخص بیان نمایید.
- ۳ - مشکل پیش روی خود را بررسی کنید تا مشخص شود از چه نوع مشکلی بوده و شما برای حل آن باید دقیقا چه کاری انجام دهید.
- ۴ - بین مشکلاتی که شما بر روی آن ها کنترل دارید و مشکلاتی که خارج از کنترل شما هستند تمایز قائل شوید و تمام تلاش خود را بر روی مشکلاتی که بطور بالقوه توان حل آن ها را دارید متمرکز کنید.
- ۵ - ببینید برای حل مسئله نیازمند چه اطلاعاتی هستید و سپس آن اطلاعات مورد نیاز را با جدیت جست و جو کنید.
- ۶ - با دقت اطلاعاتی را که جمع می کنید بررسی و آنالیز کرده و از آن ها نتیجه گیری و برداشت های منطقی داشته باشید.
- ۷ - ببینید برای عمل چه راهکارهایی در اختیار دارید؟ در کوتاه مدت چه می توانید بکنید؟ دراز مدت چگونه؟ محدودیت های خود را از نظر زمان امکانات و قدرت بسنجید.
- ۸ - سپس راه کارهای ممکن را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده و مزایا و معایب هر یک را مشخص کنید.
- ۹ - یک استراتژی مشخص برای رسیدن به هدفتان برگزیده و آن را تا خط پایان دنبال کنید. این کار گاهی با اقدام مستقیم و گاهی با اتخاذ سیاست "صبر و انتظار" میسر است.
- ۱۰ - زمانی که دست به اقدام می زنید اثرات عملکرد خود را تحت نظارت داشته باشید. آمادگی این را داشته باشید تا در صورت لزوم استراتژی خود را تغییر دهید. آمادگی این را داشته باشید که با دریافت اطلاعات بیشتر در باره ی مسئله، تجزیه و تحلیل خود و یا بیان مسئله را تغییر دهید.

## بررسی و سنجش پروژه های تحقیقی

از الگوی زیر برای سنجش کیفیت مقالات و پروژه های تحقیقاتی استفاده کنید.

- ۱ - هر تحقیقی دارای یک منظور و هدف مشخص است.
  - اهداف تحقیق باید به وضوح بیان شوند.
  - سایر اهداف مربوط به هدف اصلی بطور صریح مشخص شوند.
  - همه ی بخش های تحقیق باید در راستای هدف تحقیق باشند.
  - اهداف تحقیق باید واقع بینانه و معنی دار باشند.
- ۲ - هر تحقیقی در صدد است تا به یک پرسش اساسی پاسخ گفته و یا یک مسئله ی مهم را حل کند.
  - پرسش اساسی مورد نظر باید به وضوح و دقت بیان شود.
  - پرسش های مرتبط با پرسش اصلی مشخص و ذکر شوند تمامی بخش های تحقیق باید در ارتباط با پرسش اصلی تحقیق باشند.
  - همه پرسش ها باید واقع بینانه و معنا دار باشند
  - همه پرسش های تحقیق باید آن فعالیت های فکری که انجام آنها باعث برطرف شدن سؤال می شود را به وضوح بیان کند.
- ۳ - هر تحقیقی داده ها،اطلاعات و شواهد مربوط به پرسش اساسی و هدف تحقیق را مورد شناسایی قرار می دهد.
  - تمام اطلاعاتی که مورد استفاده قرار می گیرد باید دقیق،واضح و مرتبط با سؤال تحقیق باشد.
  - اطلاعات جمع آوری شده بایدبه میزان کافی باشد تا بتوان به پرسش مورد نظر پاسخ داد.
  - اطلاعاتی که در تناقض با نتیجه گیری تحقیق باشد میبایست توضیح داده شود.
- ۴ - هر تحقیقی حاوی استنتاج ها یا برداشت هایی است که از آن ها نتیجه گیری نهایی می شود.
  - همه نتیجه گیری ها باید دقیق،واضح و مرتبط با پرسش کلیدی مورد نظر تحقیق باشد.
  - نتیجه گیری ها نباید به فراتر از آنچه داده های تحقیق به ما می گوید برسد.
  - نتیجه گیری ها باید منسجم بوده و تناقض های موجود در داده ها را توضیح دهد.
  - نتیجه گیری ها باید چگونگی پاسخ دادن به پرسش اصلی تحقیق را توضیح دهند.
- ۵ - هر تحقیقی در یک دیدگاه یا چارچوب ارجاع بخصوص صورت می گیرد.
  - همه دیدگاه ها باید در تحقیق آورده شوند.
  - مخالفت هایی که از طرف دیگر دیدگاه ها مطرح می شود باید شناسایی شده و منصفانه به آن ها پرداخته شود.
- ۶ - هر تحقیقی بر اساس یک سری فرض های مسلم می باشد.
  - فرض های مسلم اصلی در تحقیق باید به دقت شناسایی شده و مورد سنجش قرار گیرند.
  - باید توضیح داده شود که چگونه این فرض های مسلم دیدگاه تحقیق را شکل می دهند.
- ۷ - هر تحقیقی به وسیله ی یک سری مفاهیم ذهنی شکل می گیرد.
  - مفاهیم کلیدی در تحقیق باید از نقطه نظر وضوح مورد سنجش قرار گیرد.
  - میزان معنی دار بودن مفاهیم تحقیق باید مورد سنجش قرار گیرد.
- ۸ - هر تحقیقی به جایی ختم می شود یعنی این که دارای تاثیرات و پیامد هایی است.
  - اثرات و پیامد هایی که تحقیق مورد نظر بدنبال خواهد داشت را رد یابی کنید.
  - اثرات مثبت و منفی را جست و جو کنید.
  - تمامی اثرات و پیامد های معنا دار تحقیق را در نظر بگیرید.

## متفکر نقاد پیوسته معیارهای فکری را در رابطه با ارکان تفکر به کار میگیرد تا فضیلت های فکری را در خود ایجاد کند



## مراحل رشد تفکر نقادانه

متفکر ورزیده  
(مهارت های فکری و  
فضیلت های فکری طبیعت  
ثانویه او می شوند)

متفکر پیشرفته  
( مصمم به تمرین مداوم بوده  
و در حال درونی کردن  
فضیلت های فکری است )

متفکر در حال تمرین  
(بطور منظم در حال تمرین  
است و متناسب با آن در  
حال پیشرفت است)

متفکر مبتدی  
(سعی در بهبود تفکر  
دارد اما تمرین و  
ممارست منظم ندارد)

فرد دچار چالش در تفکر  
(متوجه مشکلات جدی در  
تفکر خود شده است)

فرد بدون تفکر و تأمل  
(از مشکلات جدی که  
در تفکرش وجود دارد  
بی اطلاع است)

## مشکلات تفکر خود محور

تفکر خود محور از این واقعیت تلخ نشات می‌گیرد که انسان بطور طبیعی حقوق و نیازهای دیگران را در نظر نمی‌گیرد. ما بطور طبیعی دیدگاه دیگران را نادیده می‌گیریم و نسبت به کاستی‌های دیدگاه خود آگاهی نداریم. زمانی به وضوح نسبت به تفکر خود محورمان آگاهی پیدا می‌کنیم که برای آن آموزش‌های لازم به ما داده شده باشد. ما بطور طبیعی متوجه نیستیم که چگونه از فرض‌های مسلم و اطلاعات به شکلی خود خواهانه استفاده می‌کنیم. همچنین متوجه نیستیم که چگونه از داده‌ها به نفع خود برداشت می‌کنیم و منشا شکل‌گیری مفاهیم ذهنی خود خواهانه مان را نمی‌شناسیم. نسبت به اثرات و پیامدهای تفکر خود محور بی‌اطلاع بوده و از این رو متوجه این مسئله نمی‌شویم که چقدر دیدگاه ما منفعت طلبانه و خود خواهانه است. به عنوان انسان با یک حس غیر واقعی اما مطمئن زندگی می‌کنیم که انگار بطور کامل به حقیقت پی برده ایم. ما بطور طبیعی اعتقاد داریم که ادراک‌های حدسی و شمی ما درست هستند هرچند این ادراک‌ها نادرست باشند. به جای استفاده از معیارهای تفکر در زمان فکر کردن اغلب از معیارهای عاطفی و خود محورانه برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه چیزی را قبول یا رد کنیم استفاده می‌کنیم.

در اینجا شایع‌ترین معیارهای عاطفی که انسان در تفکر از آنها استفاده می‌کند را ذکر می‌کنیم. "این درست است چون اعتقاد من بر این است". خود محوری ذاتی: تصور فرد بر این است که همه‌ی آنچه به آن اعتقاد دارد درست بوده هرچند مبنای این عقاید را هیچ‌گاه به پرسش نگرفته باشد. "این درست است چون اعتقاد ما بر این است". ما محوری ذاتی: تصور فرد بر این است که عقاید اصلی گروهی که به آن تعلق دارد به تمامی درست بوده هرچند مبنای این عقاید را هیچ‌گاه به پرسش نگرفته باشد.

"این درست است چون من می‌خواهم به آن اعتقاد داشته باشم". ارضای ذاتی خواسته‌ها: فرد به چیزی اعتقاد دارد که او را در وضعیت روحی مناسبی قرار می‌دهد. به چیزی اعتقاد دارد که به او احساس خوش‌آیندی می‌دهد، چیزی که او را مجبور نمی‌کند تا طرز فکرش را عوض کند یا این که او را مجبور کند تا به اشتباه خود اعتراف کند.

"این درست است چون من همیشه چنین اعتقادی داشته‌ام". خود تصدیقی ذاتی: فرد میل شدیدی دارد به اینکه عقایدی را که برای مدت زمان طولانی داشته حفظ کند هرچند هیچ‌گاه بطور جدی میزان موجه بودن آن‌ها را با شواهد متقن نسنجیده باشد.

"این درست است زیرا من دلم می‌خواهد که به آن اعتقاد داشته باشم". خود خواهی ذاتی: فرد به چیزی اعتقاد دارد که به او قدرت، ثروت و نفع شخصی می‌رساند هرچند دلائل متقنی برای آن‌ها وجود نداشته باشد.

## مشکلات تفکر ما محور

بیش تر مردم نسبت به این مسئله آگاهی ندارند تا چه اندازه کورکورانه و بی چون و چرا تعصب های غالب جامعه یا فرهنگ خود را درونی کرده اند. جامعه شناسان و مردم شناسان این وضعیت را تنقید فرهنگی نامیده اند این پدیده ناشی از تفکر ما محوری است که شامل موارد زیر است:

- تمایل بی چون و چرا به اینکه فرهنگ، ملت و مذهب خود را در جایگاهی بالا تر قرار دهیم.
  - تمایل بی چون و چرا به اینکه توصیف هایی مثبت و خودخواهانه از خود و توصیف هایی منفی از کسانی که متفاوت می اندیشند داشته باشیم.
  - تمایل بی چون و چرا به درونی کردن اعتقادات و نرم های جامعه ی خود و عمل متناسب با این اعتقادات بدون در نظر گرفتن اینکه می بایست قبل از عمل به چیزی آن را بطور منطقی مورد سوال قرار دهیم.
  - تمایل به اینکه کورکورانه خود را با محدودیت های گروه خود وفق دهیم. (بسیاری از این محدودیت ها دلخواهی یا اجباری هستند)
  - کوتاهی در داشتن تفکری فراتر از تعصب های سنتی فرهنگ خود.
  - کوتاهی در بررسی و پذیرش دیدگاه های دیگر فرهنگ ها. (از این طریق می توان ژرفا و وسعت تفکر را بهبود بخشید)
  - کوتاهی در تمایز قائل شدن بین نرم های اخلاقی جهانی و الزامات و محرمات فرهنگی جامعه خود.
  - کوتاهی در فهم اینکه رسانه های گروهی در هر جامعه و فرهنگی اخبار را متناسب با دیدگاه آن جامعه و فرهنگ شکل می دهد.
  - کوتاهی در ایجاد تفکر تاریخی و مردم شناسانه که منجر به این می شود که در دام تفکر رایج بیفتیم.
  - کوتاهی در فهم اینکه تفکر ما محورانه یک مانع جدی برای رشد فکری است.
- تفکر ما محورانه مشخصه بارز جوامع عاری از تفکر نقادانه است زمانی این نوع تفکر محو می شود که جای آن را تفکر میان فرهنگی منصفانه که همان تفکر نقادانه است بگیرد.

### تجسم بخشیدن به جوامع دارای تفکر نقادانه

اگر تفکر نقادانه در یک جامعه به شکل یک عادت معمول در آید به تمامی آداب و رسوم آن رسوخ خواهد کرد زیرا این یک روش برای فائق آمدن بر مشکلات زندگی است افرادی که در این زمینه آموزش دیده باشند دیگر بازیچه سخنران های سیاسی نمی شوند آن ها برای اینکه چیزی را باور کنند درنگ می کنند آنها چیزی را ممکن یا محتمل در نظر می گیرند بدون اینکه از نبود اطمینان و قطعیت رنج ببرند منتظر می مانند تا شواهد کافی به آن ها داده شود و این شواهد را مورد سنجش قرار می دهند. تحت تاثیر اینکه برخی اظهارات با چه تاکیدی و یا با چه جدیتی بیان می شود قرار نمی گیرند. آن ها در مقابل هر نوع تعصب و تملق ایستادگی می کنند آموزش در زمینه ی ایجاد قابلیت تفکر نقادانه تنها آموزشی است که می توان گفت حقیقتا منجر به بوجود آوردن شهروندان خوب می شود.

### ویلیام گراهام سامنر ۱۹۰۶

انسان دارای این قابلیت هست که منطقی و منصف باشد اما این ظرفیت نیاز به پرورش دارد. اگر این قابلیت پرورش داده شود ما شاهد ظهور جوامع دارای تفکر نقاد خواهیم بود. این جوامع در صورتی ظهور خواهند کرد که:

- تفکر نقادانه به عنوان شرط اصلی برای داشتن زندگی منصفانه و معقول در نظر گرفته شود.
  - تفکر نقادانه بطور مستمر آموزش داده شود و به شکل سازمان یافته پرورش یابد.
  - مشکل آفرینی های تفکر به صورت یک نگرانی همیشگی دیده شوند.
  - به طور نظام یافته افراد به آزاد اندیشی و دوری از تعصب های جاهلانه تشویق شوند.
  - شرافت فکری، تواضع فکری، همدلی فکری، شهامت فکری و اعتماد به تعقل به عنوان ارزشهای اجتماعی معرفی شوند.
  - خودمحوری و مامحوری در تفکر به عنوان عوامل دردسر ساز در زندگی اجتماعی دیده شوند.
  - به کودکان آموزش داده شود که حقوق و نیازهای دیگران را مثل حقوق و نیازهای خود بدانند.
  - جهان بینی چند فرهنگی تقویت شود.
  - افراد جامعه تشویق شوند به اینکه خودشان فکر کنند نه اینکه کورکورانه طرز فکر و رفتار دیگران را قبول و از آن پیروی کنند.
  - افراد جامعه خودشان بطور مستمر تفکر غیر منطقی را شناسایی و از بین ببرند.
  - افراد جامعه معیارهای جهانی تفکر را در خود ایجاد و نهادینه کنند.
- اگر ما جامعه نقاد می خواهیم باید به ایجاد آن بکوشیم.**





به طور طبیعی خود برتر بین و ما برتر بین است. البته به طور طبیعی نیز برخی مهارت های فکری را در خود ایجاد می کند

نیازمند به این است که فضیلت های فکری و حساسیت های اخلاقی به شکل آگاهانه در آن پرورش پیدا کنند

**آیده اصلی:** انسان ها به طور طبیعی در استدلال و تصمیم گیری منافع خود و گروه خود را در نظر می گیرند. البته از قابلیت های عقلانی اما در سطح پایین نیز برخوردارند. آنها عموماً زندگی شان را با تفکر خود برتربینی آغاز میکنند. در طول زمان این تفکر با تفکر ما برتربینی یعنی منافع گروه خود را بر هر چیز مقدم بدانند ترکیب می شود. تقریباً همه انسان ها درگیر این دو شکل از تفکر نا بخردانه می شوند. البته تفکر خود برتربینی و ما برتربینی در افراد مختلف درجات متفاوتی دارد. همچنین ظهور آن در شرایط مختلف و موقعیت های گوناگون یکسان نیست. در حالی که خصلت های خودبرتربینی و ما برتربینی به شکل طبیعی در انسان ها ایجاد میشوند خرد مندی و عقل مداری نیاز به پرورش دارند. از طریق پرورش این قوای عقلانی است که میتوان با تمایلات خودخواهانه و غیر عقلانی مبارزه کرد و به ایجاد جوامع دارای تفکر نقاد همت گماشت.

# The Foundation for Critical Thinking

www.criticalthinking.org

707-878-9100 • 800-833-3645

cct@criticalthinking.org



دکتر لیندا الدر یکی از روانشناسان  
آموزشی برجسته است که در دانشگاه  
روانشناسی و تفکر نقادانه تدریس  
میکند. وی رئیس "بنیاد تفکر نقادانه" و  
همچنین مدیر اجرایی "مرکز تفکر  
نقادانه" میباشد. دکتر الدر علاقه ویژه



ای به بحث رابطه بین فکر و احساس یا به عبارتی امور ذهنی در  
مقابل امور عاطفی داشته و نظریه ای در خصوص مراحل رشد  
تفکر نقادانه ارائه کرده است. الدر تا کنون چهار کتاب در زمینه  
تفکر نقادانه به رشته تحریر در آورده است و در نگارش بیست و  
یک کتاب راهنما با ریچارد پال همکاری داشته است. او  
سخنران پرشوری است و تجارب زیادی در ارائه سمینار در حوزه  
تفکر نقادانه دارد.

دکتر دیچارد پال یکی از پیشگامان

جنبش تفکر نقادانه در جهان

می باشد. وی مدیر بخش تحقیقات در  
"مرکز تفکر نقادانه" و رئیس "انجمن  
ملی برتری در تفکر نقادانه" میباشد.



پال تا کنون بیش از دویست مقاله و هفت کتاب در حوزه تفکر  
نقادانه نوشته است. او همچنین صدها کارگاه آموزشی در باره  
تفکر نقادانه برگزار کرده است.

دکتر محمد باقر باقری در رشته

آموزش زبان انگلیسی تحصیل

کرده و ضمن تدریس در دانشگاه

مشغول تحقیق در زمینه تفکر

نقادانه و نقش آن در آموزش



میباشد. وی در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به عنوان سخنران به

"کنفرانس بین المللی تفکر نقادانه و اصلاحات آموزشی" دعوت

شد.

Foundation for Critical Thinking

P.O. Box 196

Tomales, CA 94971

